

دکتر نصرالله مولائی هاشجین

دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

الگوی زیست جمعیت و قشر بندی اجتماعی - اقتصادی

در بین نیمه کوچ نشینان گیلان

(مطالعه موردی: بخش اسالم - تالش)

چکیده:

کوچ نشینان ایران با شیوه خاصی از زندگی و نیازمندیها، نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای را از گذشته تا کنون ایفا نموده‌اند. براساس آمار سال ۱۳۷۷ عشایر تنها ۲/۱۱ درصد از کل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند، ولی تقریباً در سراسر کشور پراکنده شده‌اند به طوری که به غیر از استان کردستان در ۲۷ استان دیگر توزیع شده‌اند.

بخش اسالم از لحاظ جغرافیایی به دو قسمت متفاوت ساحلی - جلگه ای و کوهپایه ای - کوهستانی و در ارتباط با یکدیگر تقسیم می شود. بیشتر ساکنان قسمت ساحلی - جلگه ای به فعالیتهای زراعی و اندکی نیز باغداری با زندگی در سکونتگاههای دائمی و ساکنان قسمت کوهپایه ای - کوهستانی به فعالیتهای دامداری پرداخته که عمدتاً کوه نشینان و نیمه کوچ نشینان دائم بخش را شامل می شوند.

بر اساس نتایج مطالعات میدانی، ۲۳/۵ درصد از خانوارهای بخش اسالم را دامدارانی تشکیل می دهند که از طریق کوچ و جابجایی به زندگی خود ادامه می دهند. می توان نیمه کوچ نشینان بخش را با توجه به هویت آنها در قالب ایل (ایل اسالم) و متشکل از: تیره، طایفه، ده ده زوئه و کوچ (خانوار) مورد مطالعه قرار داد.

کلید واژه‌ها: الگوی زیست، جمعیت قشر بندی، نیمه کوچ نشینان، اسالم، گیلان.

درآمد:

پراکندگی جمعیت و عرضه خدمات اولیه در غرب گیلان به گونه‌ای است که زندگی در نقاط روستایی را به ویژه در شرق (قسمت جلگه‌ای)، که در آن سکو‌نگاه‌های روستایی با فواصل کمتری و در ارتباط سهل و ساده‌ای نسبت به شهرها قرار دارند، تسهیل کرده است (گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۴). داشتن سرزمین مشترک، ساخت اجتماعی قبیله‌ای، اتکای معاش به دامداری و شیوه زندگی کوچ، موجب شکل‌گیری هویت ایلی نیمه کوچ‌نشینان شده است، به گونه‌ای که می‌توان آنها را در قالب ایلی مورد مطالعه قرار داد.

۱. طرح تحقیق**۱-۱. بیان مسأله:**

- پراکندگی در سراسر بخش به ویژه در غرب محدوده مورد مطالعه به عنوان میان بند و بیلاق؛
 - عدم برخورداری از خدمات زیربنایی به ویژه در محدوده مراتع میان بند و بیلاق؛
 - عدم شناسایی نیمه کوچ‌نشینان اسالم به عنوان جمعیت عشایری علی‌رغم برخورداری از ویژگیهای عشایر کوچنده.

۱-۲. اهداف تحقیق:

برخی از اهداف تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

- شناخت و معرفی نیمه کوچ‌نشینان بخش اسالم؛
- توزیع جمعیت روستایی و نیمه کوچ‌نشین در سطح دهستانها؛
- شناسایی قشربندی اجتماعی-اقتصادی با تأکید بر نیمه کوچ‌نشینان محدوده مورد مطالعه؛
- شناسایی ساختار ایلی نیمه کوچ‌نشینان (مولائی هاشجین، ۱۳۸۱: ۲۱).

۱-۳. بیان فرضیه:

شیوه زندگی کوچ‌نشینان در ناحیه مورد مطالعه با توجه به انطباق انسان با محیط طبیعی امری پذیرفته و غیر قابل انکار است.

۱-۴. روش تحقیق:

در تحقیق حاضر از روش توصیفی و دو شیوه گردآوری اطلاعات استفاده شده است. برای شناخت الگوی زیست، قشر بندی اجتماعی و یافتن دیدگاههای لازم در این زمینه از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و برای شناخت دقیقتر محدوده مورد مطالعه ضمن بررسی اسناد و مدارک آرشیوی و کتابخانه‌ای، از مطالعات میدانی در قالب مطالعات مقدماتی، مشاهده و پرسشنامه در قالب پرسشنامه آبادی، پرسشنامه خانوارهای کوچنده، پرسشنامه استقرار گاههای میان بند و بیلاق استفاده شده است (مولایی هاشجین، ۱۳۸۰: ۱۳۵-۱۳۶).

۲. مشخصات ناحیه مورد مطالعه:

ناحیه مورد مطالعه، بخش اسالم شهرستان تالش در غرب استان گیلان را در برمی گیرد که در ۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۴۰ دقیقه عرض جغرافیایی شمالی و ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳ دقیقه طول جغرافیایی شرقی واقع شده است (سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۷۸: ۲۰-۲۱).

بخش اسالم از شمال به بخش مرکزی تالش از غرب به شهرستان خلخال، از جنوب به شهرستان رضوانشهر و از شرق به دریای خزر محدود می شود (مولایی هاشجین، ۱۳۸۰: ۱۳۷).

براساس آمار سال ۱۳۷۸، این بخش با ۴۷۳/۲ کیلومتر مربع مساحت، ۳/۲۲ درصد از مساحت کل استان گیلان را در بر گرفته و از ۳ دهستان، ۷۲ آبادی دارای سکنه و ۷ آبادی خالی از سکنه تشکیل یافته است. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۱۳۷۹: ۶۱).

مرکز ناحیه مورد مطالعه شهر اسالم است که با مرکز شهرستان و استان به ترتیب ۸ و ۱۰۷ کیلومتر فاصله دارد. (مولایی هاشجین، ۱۳۸۱: ۳).

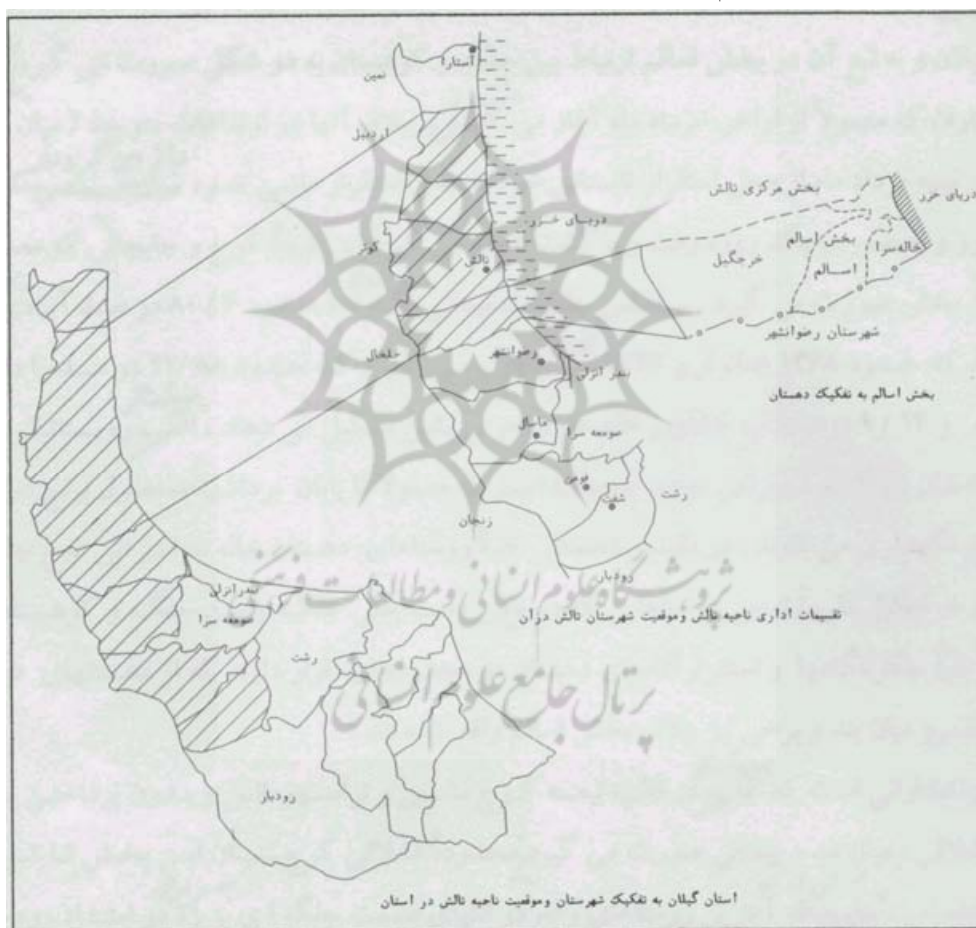
محدوده مورد مطالعه از یک قسمت ساحلی - جلگه ای با سکونتگاههای روستایی و برخوردار از جمعیت قابل توجه، که بخشی از آن به عنوان قلمرو نیمه کوچ نشینان ناحیه محسوب می شود، و یک قسمت کوهپایه‌ای - کوهستانی در غرب آن با جمعیت پراکنده اندک و بیشتر به عنوان قلمرو میان بند و بیلاق نیمه کوچ نشینان به شمار می رود، تشکیل یافته است.

ارتفاعات ناحیه بخشی از ناهمواریهای تالش است که با جهت شمالی - جنوبی سطح وسیعی از این ناحیه را در بر گرفته و هرچه از شرق به غرب حرکت کنیم بر ارتفاعات ناحیه افزوده می شود، که این امر در شرایط

اقلیمی، منابع آب، خاک، پوشش گیاهی، زندگی جانوری و شیوه معیشت و سکونت تأثیر بسزایی گذاشته است (بازن، ۱۳۶۷: ۴۴-۵۳).

۳. روستا نشینی:

بخش اسالم از نظر استقرار جمعیت چهره روستایی دارد و به غیر از شهر اسالم و به استثنای نیمه کوچندگان بخش که از نظر آمارهای جمعیتی آنها نیز روستایی محسوب می شوند، روستایی است و به عبارتی الگوی زیست جمعیت در بخش اسالم روستایی است.



مقایسه تعداد خانوار و جمعیت روستایی بخش در سطوح دهستانی در فاصله سالهای ۷۵ تا ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که توزیع خانوار و جمعیت در دهستانهای سه گانه نامتعادل بوده است، به طوری که دهستان خرگیل در غرب ناحیه و با امکانات محدود از نظر جذب و نگهداشت جمعیت، ۶۳/۵ درصد مساحت بخش، فقط ۲۳/۸ درصد از جمعیت بخش اسالم را در خود جای داده و در مقابل دهستان اسالم به دلیل استقرار روستاهای پر جمعیت و موقعیت ارتباطی مناسب و قرار گیری مرکز بخش و سکونتگاههای پر جمعیت در آن و برخورداری از امکانات بهتر برای بهره‌کشی از زمین و سایر فعالیتهای اقتصادی، بیش از ۵۵ درصد از جمعیت بخش را در خود جای داده است و علت کمی جمعیت دهستان خاله سرا مساحت کم آن و تعداد اندک روستاها می باشد (مولایی هاشجین، ۱۳۷۸).

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ از کل نقاط روستایی بخش ۶۲/۵ درصد در قسمت جلگه ای و ۳۷/۵ درصد بقیه در قسمت کوهپایه‌ای و کوهستانی واقع شده‌اند. که این میزان برای دهستانهای خاله سرا و اسالم به ترتیب ۹۱/۶ و ۸۹/۷ درصد جلگه‌ای و ۸/۴ و ۱۰/۳ درصد کوهپایه‌ای و کوهستانی است و دلیل اصلی آن موقعیت جغرافیایی هر دو دهستان است که در قسمت جلگه‌ای و شرق بخش واقع شده‌اند. در حالی که دهستان خرگیل به دلیل کوهستانی و کوهپایه‌ای بودن و این که عمدتاً به عنوان قلمرو میان بند و بیلاقی نیمه کوچ نشینان و کوه نشینان بخش مورد بهره برداری قرار می‌گیرند، تنها ۲۵/۸ درصد از آبادیها در قسمت جلگه‌ای و ۷۴/۷ درصد بقیه در ارتفاعات و کوهستان واقع شده‌اند. اقتصاد بیشتر آنها مبتنی بر دامداری، زراعت، زنبورداری اندک و بهره‌برداری از جنگل است، ولی در دهستانهای خاله سرا و اسالم زراعت، باغداری، دامداری و صید و صیادی و سایر فعالیتهای نوع دوم و سوم، غالب فعالیتهای روستاها را تشکیل می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶).

بنابراین هر چه از شرق به غرب حرکت کنیم از تعداد سکونتگاههای روستائی دائمی و جمعیت آنها کاسته می‌شود. همچنین توزیع سکونتگاههای دارای سکنه بر حسب طبقات جمعیتی نشان می‌دهند بیش از ۶۳ درصد آن در بخش کمتر از ۲۵۰ تن جمعیت دارند.

۴. کوچ نشینی:

در غرب گیلان و به تبع آن در بخش اسالم ارتباط بین جلگه و کوهستان به دو شکل صورت می‌گیرد، یکی کوچ کشاورزان بالأخص برنجکاران که معمولاً از اواخر خرداد ماه آغاز می‌شود و ییلاق آنها در ارتفاعات متوسط (میان بند) می‌باشد و برای برداشت برنج در نیمه مرداد ماه از محل استقرار تابستانی خود به محل استقرار دائمی خود باز می‌گردند، و بیشتر از طریق راههای ماشین‌رو و به صورت یک روزه رفت و برگشت انجام می‌گیرد. این شیوه کوچ و جابجایی معمولاً به طور منظم و مداوم از نقاط روستایی بخش صورت می‌گیرد. بر اساس مطالعات میدانی نگارنده حدود ۸۰ / ۶ درصد آبادیهای بخش در کوچ شرکت می‌کنند که حدود ۱۳۶۸ خانوار و ۷۲۴۲ تن را در برمی‌گیرد و حدود ۲۲ / ۸۸ درصد را دامدار، ۶۷ / ۹۸ درصد کشاورز- دامدار و ۹ / ۱۴ درصد بقیه را کشاورز فاقد دام و خوش نشین تشکیل می‌دهند، بیشتر روستائینی که در کوچ شرکت می‌کنند نوع دامشان بزرگ و در برخی موارد کوچک است که معمولاً تا پایان برداشت محصول برنج در پایین است، دامها در محدوده میان بند نگهداری می‌شوند. در مقیاس دهستانی کلیه روستاهای دهستان خاله سرا در این نوع جا به جایی مشارکت می‌کنند. در دهستان خرگیل تقریباً تمامی روستاهایی که در پایین دست یعنی جلگه و بین جلگه و کوهستان مستقراند در کوچ شرکت دارند و بقیه سکونتگاهها و استقرارگاههای دهستان در محدوده‌ای قرار دارند که از دهستانهای دیگر به اینجا کوچ می‌کنند. یعنی در قلمرو میان بند و برخی نیز ییلاق بخش اسالم واقع شده‌اند.

دومی کوچ دامدارانی است که بیشتر در قالب نیمه کوچ نشینی و ترانسهمانس و بدون پرداختن به فعالیتهای زراعی در محدوده‌های قشلاقی، میان بند و ییلاقی صورت می‌گیرد. محدوده قشلاقی کوچ نشینان این بخش تا شروع جنگلهای انبوه در غرب آن واقع شده است، به طوری که آخرین روستاهای واقع در انتهای قسمت جلگه‌ای به ویژه در امتداد رودخانه اغلب از جمعیت دائمی برخوردار نیستند. (مولانی هاشجین، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

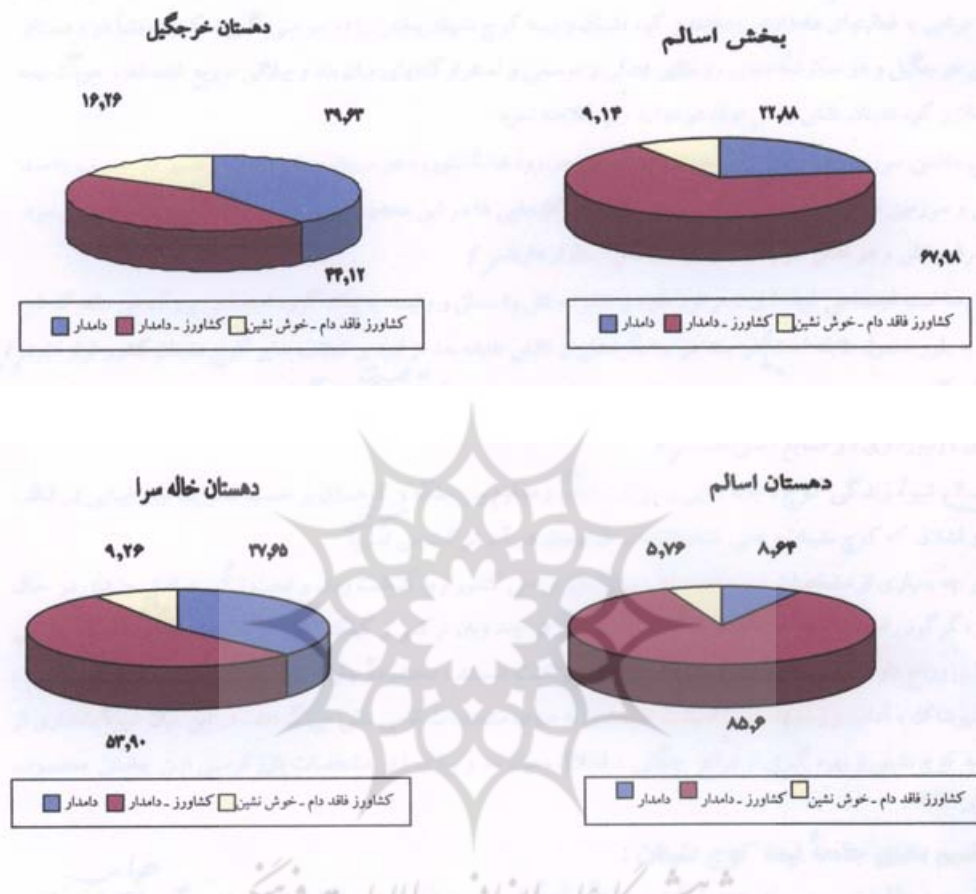
بدین معنی که در فصل گرم سال روستاهای مذکور تقریباً از جمعیت خالی شده و به ارتفاعات (میان بند) کوچ می کنند و در فصل سرد سال از جمعیت برخوردار می شوند. قلمرو میان بند در غرب قلمرو قشلاقی پس از اتمام جنگلهای انبوه آغاز و تا پایان جنگلهای پراکنده و تنک امتداد می یابد که در این محدوده سکونتگاههای نیمه مسکونی به چشم می خورد و پس از اتمام محدوده جنگلهای تنک و پراکنده قلمرو ییلاقی با مراتع نسبتاً غنی به طرف غرب تا خط الرأس ارتفاعات تالش امتداد پیدا می کند (مولائی هاشجین، ۱۳۷۸).

جدول شماره ۱- توزیع، تعداد و درصد خانوار و جمعیت آبادیهای کوچنده بخش اسالم
به تفکیک دهستان در سال ۱۳۷۸

| دهستان | شرح | جمع | | دامدار | | کشاورز دامدار | | کشاورز فاقد دام خوش نشین | | آبادی | |
|-----------|--------|-------|-------|--------|-------|---------------|-------|--------------------------|-------|----------|------------|
| | | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد کل | تعداد درصد |
| خاله سرا | خانوار | ۱۶۲ | ۱۱/۸۴ | ۶۱ | ۳۷/۶۵ | ۸۶ | ۵۳/۹۰ | ۱۵ | ۹/۲۶ | ۱۲ | ۱۱ |
| | جمعیت | ۸۶۰ | ۱۱/۸۸ | ۳۲۴ | ۳۷/۶۷ | ۴۵۶ | ۵۳/۰۲ | ۸۰ | ۹/۳۱ | | ۹۱/۷ |
| اسالم | خانوار | ۷۲۹ | ۵۳/۲۹ | ۶۳ | ۸/۶۴ | ۶۲۴ | ۸۵/۶ | ۴۲ | ۵/۷۶ | ۲۹ | ۲۹ |
| | جمعیت | ۳۷۲۵ | ۵۱/۴۴ | ۳۲۲ | ۸/۶۵ | ۳۱۸۸ | ۸۵/۵۸ | ۲۱۵ | ۵/۷۷ | | ۱۰۰ |
| خرجگیل | خانوار | ۴۷۷ | ۸۷/۳۴ | ۱۸۹ | ۳۹/۶۲ | ۲۲۰ | ۴۴/۱۲ | ۶۸ | ۱۶/۲۶ | ۳۱ | ۱۸ |
| | جمعیت | ۲۶۷۵ | ۳۶/۶۹ | ۱۰۵۳ | ۳۹/۶۳ | ۱۲۲۵ | ۴۶/۱۱ | ۳۷۹ | ۱۴/۲۶ | | ۵۸/۱ |
| بخش اسالم | خانوار | ۱۳۶۸ | ۱۰۰ | ۳۱۳ | ۲۲/۸۸ | ۹۳۰ | ۶۷/۹۸ | ۱۲۵ | ۹/۱۴ | ۷۲ | ۵۸ |
| | جمعیت | ۷۲۴۲ | ۱۰۰ | ۱۶۹۹ | ۲۳/۴۶ | ۴۸۶۹ | ۶۷/۲۳ | ۶۷۴ | ۹/۳۱ | | ۸۰/۶ |

(مولائی هاشجین، ۱۳۷۸)

نمودار شماره ۱- توزیع درصد خانوارهایی که در بخش اسالم و به تفکیک دهستان در کوچ به سر می برند در سال ۱۳۷۸



با توجه به تعریف عشایر کوچنده در سرشماری سراسری عشایر کوچنده در سالهای ۷۷-۱۳۶۶ و عدم شمول کوچ نشینان و کوه نشینان بخش اسالم در زمره عشایر کوچنده، ارائه آماری از تعداد و درصد کوه نشینان و نیمه کوچ نشینان بخش اسالم به صورت دقیق امکانپذیر نیست، اما بر اساس بر آورد طرح ساماندهی دام و تجمع خانوارهای پراکنده جنگل نشین حوزه ناو و لمیر که تقریباً با حدود بخش اسالم منطبق است تعداد کوچندگان ۸۷۰ خانوار و ۵۱۶۰ تن بوده است. (مهندسین مشاور تاك سبز، ۱۳۷۷). بر اساس مطالعات نگارنده از کل آبادیهای بخش تعداد ۱۳۶۸ خانوار و ۷۲۴۲ تن هر ساله در قالب دامدار، کشاورز- دامدار و کشاورز فاقد

دام و خوش نشین و تعداد ۳۱۳ خانوار و ۱۶۹۹ تن صرفاً با هدف دامداری در کوچ به سر می‌برند. البته لازم به توضیح است که تعدادی از خانوارهای کوچ‌نشین که در قلمرو ایلی خود در حال جابجا شدن هستند و در طول سال در بیلاق و قشلاق و میان بند در حال حرکت‌اند به دلیل نداشتن متعلقات در روستاها در این آمارها گنجانده نشده‌اند. به هر حال در این بررسی تعداد ۷۷ خانوار و ۵۳۲ تن از نیمه کوچ‌نشینان بخش از طریق تکمیل پرسشنامه خانوار و خانواده بهره بردار و نیز امکان سنجی مورد مطالعه فرا گرفته‌اند که ۲۴/۶ درصد از کوچندگان دامدار و ۵/۶۳ درصد از کل خانوارهای کوچنده را شامل می‌شوند.

۵. هویت ایلی نیمه کوچ نشینان:

اسالم از لحاظ جغرافیایی به دو قسمت متفاوت ولی در ارتباط با یکدیگر یعنی قسمت ساحلی - جلگه‌ای و کوهپایه‌ای - کوهستانی به ترتیب در شرق و غرب تقسیم می‌شود. بیشتر ساکنان قسمت ساحلی - جلگه‌ای به فعالیت‌های زراعی و اندکی باغداری اشتغال داشته و به صورت دائمی در سکونتگاههای روستایی استقرار دارند و ساکنان قسمت کوهپایه‌ای - کوهستانی اعم از جنگلی و مرتعی به فعالیت‌های دامداری پرداخته و کوه نشینان و نیمه کوچ نشینان بخش را در بر می‌گیرند که عمدتاً در دهستان کوهستانی خرگیل و در سکونتگاههای روستایی فصلی و موسمی و استقرار گاههای میان بند و بیلاقی توزیع شده‌اند. هویت نیمه کوچ نشینان و کوه‌نشینان تالش را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۵-۱. داشتن سرزمین مشترک:

در بخش اسالم بین دو رودخانه ناورود در شمال و شمالغرب و لمیر در جنوب واحد جغرافیایی و سرزمین مشترک کوچندگان قرار دارد که بیشتر جابجایی‌ها در این محدوده صورت می‌گیرد، به طوری که در فصل سرد سال در شرق بخش و در فصل گرم سال در غرب بخش استقرار دارند.

۵-۲. ساخت اجتماعی قبیله‌ای:

هر فرد خود و خانواده‌اش را متعلق و وابسته به یک گروه اجتماعی بزرگ می‌داند که نام این گروه به طور معمول طایفه است، هر چند در جامعه عشایری تالش طایفه بعد از تیره بر خلاف سایر کوچ نشینان کشور قرار دارد؛

۵-۳. اتکای معاش به دامداری:

فعالیت غالب دامداری و فعالیتهای دیگر به صورت مکمل و جنبی و فرعی نظیر؛ زراعت، باغداری، زنبورداری، و صنایع دستی است.

۵-۴. شیوه زندگی کوچ:

جابه جایی و حرکت منظم و مداوم بین جلگه و کوهستان بر حسب شرایط جغرافیایی در قالب بیلاق و قشلاق که کوچ‌نشینان و حتی کشاورزان در طول سال در آن شرکت می‌کنند.

اگر چه بسیاری از مشخصات قومی این بخش مانند سایر نواحی کشور و با گذشت زمان و تحت تأثیر عوامل چندی در حال تغییر و دگرگونی است با این حال عواملی نظیر؛ زبان تالشی هر چند زبان ترکی و گیلکی نیز در بخش اسالم، به ویژه قسمت شرقی جلگه‌ای رواج دارد. مذهب تسنن شافعی و تقریباً یکنواخت هستند. محدوده جغرافیایی مشترک در قالب بخش اسالم، مسکن، پوشاک، آداب و رسوم، شیوه معیشت دامداری به عنوان مشخصات قومی تلقی می‌گردند. در این میان شیوه دامداری از نوع نیمه کوچ نشینی و بهره‌گیری از مراتع جنگلی (قشلاق، میان‌بند و بیلاق) از مشخصات بارز قومی این بخش محسوب می‌شود.

۶. تقسیم بندی جامعه نیمه کوچ نشینان:

با توجه به مطالعات و بررسیهای به عمل آمده، عمده جامعه کوه‌نشین و کوچ‌نشین تالش را می‌توان به گروههای اجتماعی - شغلی زیر تقسیم نمود:

۶-۱. دامداران:

این گروه از راه پرورش دام به ویژه دامهای کوچک و تعداد اندکی دام بزرگ و بارکش زندگی می‌کنند و در طول سال به طور منظم و مستمر در قلمرو ایلی بین قشلاق و بیلاق و بالعکس جابجا می‌شوند که نیمه کوچ نشینان اسالم در این گروه جای می‌گیرند. گروه اجتماعی دامدار که از گذشته تا به حال در این بخش به جهت فراهم بودن شرایط به چشم می‌خورند و بر حسب تعداد دامی که در اختیار دارند می‌توان به دامداران مرفه و متوسط تقسیم نمود که بیشتر دامداران در گروه اخیر هستند.

۶-۲. دامداران چند پیشه:

این گروه نیز در محدوده میان بند و ییلاق و در شرایط مشابه آنچه که در مورد دامداران صدق می کند زندگی می کنند، با این تفاوت که به فعالیتهای غیر دامداری نیز اشتغال دارند، به گونه ای که در کنار دامداری به زنبورداری و کشت غلات نظیر: گندم دیم و ذرت اشتغال دارند و از ییلاق نیز استفاده می کنند و فاقد مسکن موقت مانند دامداران بویژه در محدوده قشلاق و در برخی موارد میان بند هستند. بیشتر ساکنان استقرار گاههای میان بند و سکونتگاههای کوهپایه ای و جنگلی در امتداد رودخانه ناو رود و لمیر در این گروه جای دارند.

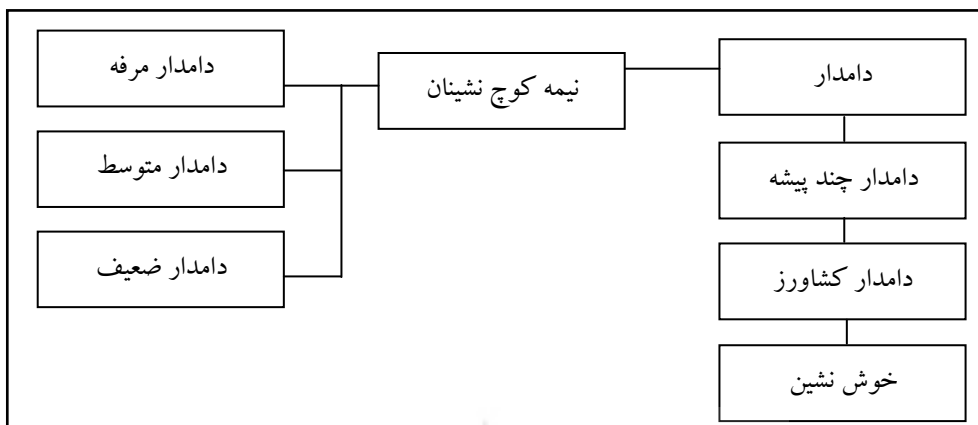
۶-۳. دامداران کشاورز:

این گروه در قسمت جلگه ای بخش اسالم زندگی می کنند و فعالیت اصلی آنها به واسطه برخورداری از اراضی، زراعت برنج و باغداری است. ولی اغلب هر کدام به نگهداری و پرورش دام بزرگ و زنبور عسل می پردازند. در فصل گرم سال پس از فراغت از کشت برنج و عدم امکان تأمین علوفه مورد نیاز دامها در پایین دست، گریز از گرما و رطوبت زیاد جلگه، استفاده از هوای مطبوع کوهستان، عادت و تأمین علوفه مورد نیاز دامهای خود به ارتفاعات واقع در غرب بخش، که محدوده هر کدام مشخص است، جابجا می شوند. این گروه برخلاف گروه اول و دوم تنها در میان بند استقرار پیدا می کنند و استفاده از مراتع ییلاق اختصاص به دامداران و دامداران چند پیشه دارد.

۶-۴. خوش نشین:

گروهی که در جلگه و ساحل فعالیتهای سنتی و مبتنی بر بهره کشی از زمین اعم از زراعت، باغداری و دامداری را رها نموده و در فعالیتهای غیر کشاورزی اشتغال دارند که معمولاً بر حسب عادت و فرار از گرمای شدید پایین دست و استفاده از شرایط مطلوب میان بند به صورت مقطعی جابجا می شوند. در تالش تیره بزرگتر از طایفه است و بر این اساس ایل بزرگترین رکن اجتماعی عشایر تالش به شمار می رود که در سراسر حوزه آبریز یک رودخانه بزرگ از سرچشمه تا کرانه های دریا سکونت دارند و خود را مالک و استفاده کننده انحصاری این قلمرو می داند (عبدلی کلوری، ۱۳۷۱: ۳۹).

نمودار شماره ۲- گروه‌های اجتماعی- شغلی نیمه کوچ نشینان و کوه نشینان بخش اسالم



با توجه به مطالعات و تحقیقات محلی حد فاصل رودخانه لمیر در جنوب، ناو رود در شمال و شمالغرب، خط الرأس تالش در مرز اسالم با خلخال در غرب و دریای خزر در شرق محدوده ایل اسالم را شامل می‌شود.

ایل اسالم از چند تیره، طایفه، ده ده زوئه و خانوار (کوچ) به شرح زیر تشکیل شده است:

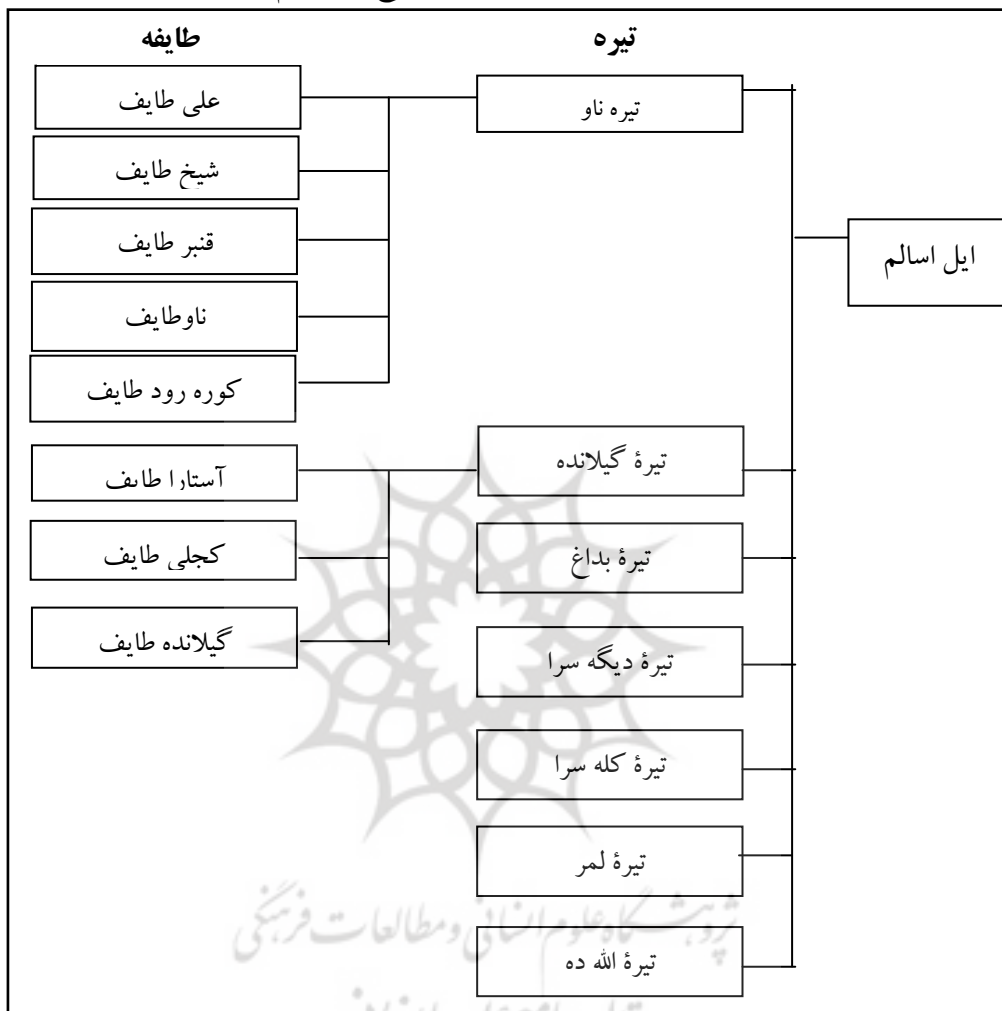
تیره: تیره متشکل از چند طایفه برخوردار از مراتع و اراضی اختصاصی و مشخص که دیگر تیره‌ها حق استفاده از آن را ندارند. تیره‌های ناو، گیلانده، دیگه سرا، کله سرا، بداغ و لمیر از آن جمله‌اند که هر کدام محدوده خاص خودشان را در سطح بخش به‌ویژه در محدوده میان‌بند و بیلاق دارا هستند.

طایفه: طایفه متشکل از خانوارهایی است که در سلسله نسب تا هفت پشت یا بیشتر به یک پدر می‌رسند و بیشتر به نام همان شخص مرسوم است و نسبت به هم فامیل و همخون هستند به عنوان نمونه طایفه‌های علی طایف، شیخ طایف، قنبر طایف از تیره ناو به شمار می‌روند.

ده ده زوئه: ده ده زوئه به چند خانوار گفته می‌شود که تا کمتر از هفت نسل به یک پدر می‌رسند و اعضای آن با هم نسبت نزدیک پدر تباری دارند و از زمان تشکیل سازمان ثبت احوال اغلب اعضاء، هر ده ده زوئه نام جد مشترک خود را به جای نام فامیلی خود برگزیده‌اند.

خانوار (کوچ): افرادی که در زیر یک پارو (چادر) متشکل از پدر، مادر و فرزندان زندگی می‌کنند.

نمودار شماره ۳- ساختار اجتماعی نیمه کوچ نشینان اسالم



مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده طی سالهای ۷۸-۱۳۷۰

۷. نتیجه گیری:

بخش اسالم از نظر استقرار جمعیت چهره روستایی دارد و در کنار آن بخشی از جمعیت در قالب نیمه کوچ نشین که ۲۰/۵ درصد از کل جمعیت را شامل می‌شوند در انطباق با محیط طبیعی و برحسب موقعیت جغرافیایی و شرایط آب و هوایی به دنبال دام بین قشلاق و بیلاق در حال جابجا شدن هستند.

در مقیاس دهستانی، بجز یک روستا در دهستان اسالم، کلیه روستاهای دهستان خاله‌سرا و خرگیل در کوچ شرکت می‌کنند. هر چند استقرار گاههایی که در قسمت کوهپایه‌ای و کوهستانی خرگیل واقع شده‌اند در قالب میان‌بند و بیلاق جمعیت کوچ‌رو بخش را به سوی خود می‌کشند.

کوچ و جابجایی جمعیت در محدوده مورد مطالعه در دو شکل یکی کوچ کشاورزان بالأخص برنجکاران و دومی کوچ دامدارانی که در قالب نیمه کوچ نشینی و ترانسهمانس بدون پرداختن به فعالیت‌های زراعی در محدوده‌های قشلاقی؛ میان‌بند و بیلاقی صورت می‌پذیرد. علی‌رغم دگرگونی و ایجاد تغییر در مشخصات قومی این بخش مانند سایر نواحی کشور عواملی نظیر؛ زبان تالشی، مذهب (مسلمانان شافعی مذهب)، محدوده جغرافیایی مشترک در قلب بخش اسالم، مسکن، پوشاک، آداب و رسوم، شیوه معیشت دامداری از نوع نیمه کوچ‌نشینی و بهره‌گیری از مراتع از ویژگیهای بارز ساکنان این بخش تلقی می‌شوند.

لازم است از طریق سازمان امور عشایری کشور و در جهت به رسمیت شناختن آنان با توجه به موقعیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و رفع کمبودها و نیازهای اساسی این جمعیت از طریق شناسایی کوچندگان بخش به عنوان بخشی از جامعه عشایری کشور تلاشی مضاعف صورت بگیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مآخذ

۱. بازن. مارسل، ۱۳۶۷، *تالش منطقه قومی در شمال ایران*، ترجمه دکتر مظفر امین فرشچیان، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۱۳۷۹، *آمار نامه استان گیلان*، ۱۳۷۸.
۳. سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۷۸، *مختصات جغرافیایی استان گیلان بر اساس تقسیمات سیاسی*.
۴. عبدلی کلوری. علی، ۱۳۷۱، *نظری به جامعه عشایری تالش*، انتشارات اطلاعات.
۵. گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۴، *کتاب گیلان*، جلد دوم، چاپ اول، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، *شناسنامه آبادیهای شهرستان تالش*، سرشماری عمومی نفوس و مسکن. ۱۳۷۵.
۷. مولایی هشجین. نصراله، ۱۳۸۱، *مبانی کوچندگی، پراکنندگی جغرافیایی و اشکال کوچ نشینی در گیلان (مطالعه موردی: بخش اسلام تالش)* - مجله علمی پژوهشی، پژوهشهای جغرافیایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
۸. مولایی هشجین. نصراله، ۱۳۷۸، *بررسی نظام عملکرد دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ نشین غرب گیلان به منظور امکان سنجی تثبیت جمعیت و تحول شیوه معیشت دامداری*، (مطالعه موردی: بخش اسلام)، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
۹. مولایی هشجین. نصراله، ۱۳۷۸، *مطالعات میدانی درباره کوه نشینان و کوچ نشینان غرب گیلان از سال ۱۳۷۱ تاکنون*.
۱۰. مولایی هشجین. نصراله، ۱۳۷۹، *بررسی جغرافیایی روند تحولات جمعیت در غرب گیلان*، مجله علمی- پژوهشی جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۳۳ و ۳۴ پاییز و زمستان.
۱۱. مولایی هشجین. نصراله، ۱۳۸۱، *نظام عملکرد دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ نشین غرب گیلان (مطالعه موردی: اسلام - شهرستان تالش)* - فصلنامه روستا و توسعه - سال پنجم، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، وزارت جهاد کشاورزی.
۱۲. مولایی هشجین، ۱۳۸۰، *امکان سنجی تثبیت جمعیت و تحول شیوه معیشت دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ نشین غرب گیلان و مطالعه موردی: بخش اسلام تالش*، مجله دانشنامه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، شماره ۴۰ و ۴۱.
۱۳. مهندسین مشاور تاک سبز، ۱۳۷۷، *طرح ساماندهی دام و تجمیع خانوارهای پراکنده جنگل نشین حوزه اسلام و حوزه لومیر، مطالعات اجتماعی و اقتصادی*، کارفرما شرکت سهامی جنگل شفاورد، تحت پوشش وزارت جهاد سازندگی.